

## روان‌شناسی اسلامی؛ اسلامیزه کردن روان‌شناسی یا

### تئوریزه کردن معارف اسلامی؟

اینکه آیا روان‌شناسی اسلامی داریم یا نه، اختلافی است که دست‌کم پس از انقلاب اسلامی رونق گرفت؛ موضوعی که بیشتر اختلاف‌نما است تا اختلاف واقعی. کسانی که معتقدند روان‌شناسی اسلامی نداریم دلیلشان این است که اولاً، روان‌شناسی اسلامی، در حال حاضر دانشی مدون و کلاسیک نیست، و آنچه داریم مجموعه‌ای از آیات و روایات پراکنده است؛ و ثانیاً، در همه موضوعات و مسائلی که روان‌شناسی کلاسیک سخن دارد، اسلام سخنی برای گفتن ندارد. در مقابل، کسانی که معتقدند روان‌شناسی اسلامی داریم منظورشان این است که قابلیت نوعی دانش روان‌شناختی در منابع اسلامی وجود دارد. هر دو درست می‌گویند. مراد از روان‌شناسی اسلامی، وجود دانشی مدون در زمان حال نیست، بلکه مراد حرکت در مسیری است که می‌تواند به تدوین این دانش منتهی شود.

روان‌شناسی، دانشی است که به صورت علمی و روشمند، فرآیندهای روانی و رفتارهای انسان را مطالعه می‌کند تا قانون‌های حاکم بر رفتار و روان را کشف کند. این کشف به دانشمندان کمک می‌کند تا از طریق تحلیل رفتارها و فرآیندهای روانی، به توصیف، تبیین، پیش‌بینی و کنترل آنها اقدام کنند. این دانش، از آغاز سه هدف عمده را برای خود ترسیم کرده بود؛ کاهش بیماری‌های روانی، افزایش خرسندی، و پرورش انسان‌های سرآمد و فرهیخته. هرچند جنگ جهانی اول و دوم، و مشکلات روانی ناشی از آن در اروپا و آمریکا، تمامی سرمایه‌گذاری‌ها و تلاش‌ها را به سمت هدف اول کشاند، اما در دهه‌های اخیر، دو هدف دیگر نیز محل توجه قرار گرفت و لذا پژوهش‌ها

به سمت دو هدف دیگر نیز سوق داده شد. به‌ویژه در این دو هدف است که ادیان، خصوصاً اسلام، سخن‌های فراوانی برای گفتن دارند.

از سوی دیگر، روان‌شناسی، هرچند از دهه دوم قرن بیستم در تعارض با دین قرار گرفت، اما همانند دوره نخست خود، بار دیگر از نیمه دوم قرن بیستم به دین روی آورد و با نگاه مثبت به آن نگرینست و از آن بهره گرفت. مثلاً پارگامنت<sup>۱</sup> معتقد است می‌توان سبک‌های مقابله‌ای را از مذهب نیز فرا گرفت. در این دوره، گذشته از ورود آموزه‌های دینی به روان‌شناسی، مسئله روان‌شناسی فرهنگی نیز مطرح می‌شود که معتقد است نمی‌توان روان‌شناسی برآمده از فرهنگی خاص را بر دیگر فرهنگ‌ها تعمیم داد. از این‌رو مشاوره و روان‌درمانی مبتنی بر فرهنگ جایگاه خاص خود را پیدا می‌کند. کتاب دین و معنویت در روان‌درمانی و مشاوره<sup>۲</sup> نوشته ثور یوهانسن<sup>۳</sup> و روان‌درمانی و مشاوره با مسلمانان<sup>۴</sup> نوشته مروان دؤیری<sup>۵</sup> نمونه‌هایی از این رویکرد هستند. به‌علاوه، برخی نشریات مانند نشریه بین‌المللی روان‌شناسی دین،<sup>۶</sup> بهداشت روانی، دین و فرهنگ،<sup>۷</sup> و نشریه بهداشت روانی مسلمانان،<sup>۸</sup> با عناوین خود بر ضرورت توجه به ادیان و فرهنگ‌های دیگر تأکید می‌کنند، و اینکه روان‌شناسی دین و معنویت دیگر نمی‌تواند مختص آمریکای شمالی باشد.

به‌ویژه با ظهور انسان‌گراها<sup>۹</sup> و رویکرد مثبت‌گرا در روان‌شناسی،<sup>۱۰</sup> بیش از پیش، اموری که

1. Pargament.
2. *Religion and Spirituality in Psychology: an Individual Psychology Perspective*, c2010.
3. Thor Johansen
4. *Counseling and Psychology with Arabs and Muslims: a Culturally Sensitive Approach*, c2006.
5. Marwan Adeeb Dwairy.
6. *International Journal for the Psychology of Religion*.
7. *Mental Health, Religion, And Culture*.
8. *Journal of Muslim Mental Health*.
9. Humanists.
10. positive psychology.

در دین فضیلت شمرده می‌شد، محل توجه قرار گرفت. امروزه، گذشته از تأکید بر نقش کلی دین، آموزه‌های دینی نیز، که روزگاری فقط موعظه محسوب می‌شدند، وارد مباحث روان‌شناختی شده‌اند! گذشت، قدردانی، قناعت و موضوعاتی از این دست، اکنون به مداخلات روان‌شناختی راه یافته‌اند.<sup>۱</sup>

این قبیل مسائل نشان می‌دهد که روان‌شناسی با سپری کردن دوره‌های مختلف، به قابلیت دست یافته است که اکنون بهتر می‌تواند برخی ابعاد روان‌شناختی آموزه‌های دین، و البته نه همه آن، را درک کند. دین و آموزه‌های دینی، تغییری نکرده‌اند؛ آنچه تغییر کرده، دانش روان‌شناسی است. آموزه‌های دینی در موضوع انسان و تحلیل رفتارها و فرآیندهای روانی او، و همچنین در پرورش انسان‌های سرآمد و فرهیخته، به مثابه منابعی غنی هستند که کشف و استفاده از آنها نیازمند دانش پیشرفته و رشد علمی است. امروزه روان‌شناسی علاوه بر رشد بسیار خوب در روش و فنون روان‌درمانی، به رشد معرفتی نیز دست یافته که بر اساس آن می‌تواند این بخش از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های دین را نیز درک کند و از آن بهره‌برد. اینجا است که روان‌شناسی مبتنی بر معارف اسلامی معنا پیدا می‌کند.

روان‌شناسی مبتنی بر دین و فرهنگ بومی، نه سخن ما، بلکه سخن پیروان دیگر ادیان و مکاتب نیز هست. مثلاً در مسیحیت، جیمز استالکر<sup>۲</sup> کتاب روان‌شناسی مسیحی<sup>۳</sup> و اریک جانسون<sup>۴</sup> کتاب مبانی مراقبت روح: طرحی برای روان‌شناسی مسیحی<sup>۵</sup> را نوشته‌اند. در یهودیت، سیمور هافمن<sup>۶</sup> کتاب روان‌درمانی و یهودیت<sup>۷</sup> و آرون رابین‌ویتز<sup>۸</sup> کتاب یهودیت و

۱. در این باره نک: فنون روان‌شناسی مثبت‌گرا: راهنمای درمانگران، اثر جینا. آل. مگیار - موئی.

2. James Stalker.
3. *Christian Psychology*.
4. Johnson Eric L.
5. *Foundations for Soul Care: a Christian Psychology Proposal*.
6. Seymour Hoffman.
7. *Issues in Psychology, Psychotherapy, & Judaism*.
8. Aaron Rabinowitz.

روان‌شناسی: رویکرد تعاملی<sup>۱</sup> را نگاشته‌اند. در بودیسم نیز کالوپاهانا<sup>۲</sup> کتاب اصول روان‌شناسی بودایی<sup>۳</sup> را نوشته است و پیکرینگ<sup>۴</sup> در کتاب منابع تجربه،<sup>۵</sup> حدود ده مقاله درباره روان‌شناسی بودایی آورده است. پرسش اساسی این است که جایگاه اسلام در این حوزه کجا است؟

اسلام، به عنوان یکی از غنی‌ترین ادیان و اصیل‌ترین آنها، در این موضوع جایگاهی ویژه دارد؛ به‌ویژه مذهب تشیع، که چندین هزار آیه و روایت درباره ابعاد مختلف انسان دارد که می‌تواند منبعی فوق‌العاده برای تحلیل رفتارها و فرآیندهای روانی انسان و نیز پرورش انسان‌های فرهیخته باشد. از این رو است که می‌بینیم تحقیقات روان‌شناختی، معمولاً با یک یا چند آیه یا روایت سازگاری دارند و لذا پژوهشگران و استادان، به تطبیق این دو با یکدیگر روی می‌آورند؛ پدیده‌ای که هرچند اشکال روش‌شناختی دارد، اما شایع شده است.

روان‌شناسی اسلامی به دنبال آن است که با مطالعه دقیق و علمی منابع اسلامی (قرآن و حدیث)، ابعاد روان‌شناختی آنها را کشف و ایده‌هایی برای دانش روان‌شناسی استخراج کند تا با طی مراحل خود، به نظریه‌های علمی تبدیل شوند. این چیزی است که از آن به «تئوریزه کردن» معارف دینی در برابر «اسلامیزه کردن» روان‌شناسی یاد می‌کنیم.

روان‌شناسی اسلامی، هرچند تحقیقات تجربی را محور قرار نمی‌دهد تا آنها را با معارف دین تأیید کند، با این حال، حتماً به آنها توجه می‌کند تا نسبت آنها با معارف دین مشخص شود؛ این نسبت گاه تطابق کامل است، گاه تعارض کامل و گاه ممکن است در بخش‌هایی هماهنگ باشد و در بخش‌هایی متفاوت؛ یا سکوت کرده باشد.

روان‌شناسی اسلامی، هرچند در مطالعه متون دینی، روش علمی پژوهش در علوم نقلی را به کار می‌بندد، اما نه تنها با روش‌های متقن و شناخته‌شده تجربی مخالف نیست و از آنها استفاده می‌کند، بلکه کاربست آن را ضروری می‌داند. پس از نظریه‌پردازی، تبدیل آموزه‌های

1. *Judaism and Psychology: Meeting Points.*

2. David J. Kalupahana.

3. *The Principles of Buddhist Psychology*

4. John Pickering.

5. *The Authority of Experience, Essays on Buddhism and Psychology.*

دینی به فنون و ابزار روان‌شناختی، به منظور کاربردی کردن آموزه‌های روان‌شناختی و آماده کردن آنها برای استفاده روان‌شناسان و مشاوران ضرورت دارد.

روان‌شناسی اسلامی، هرچند بهبود روان‌شناختی زندگی را به رسمیت می‌شناسد و برای آن برنامه و راهکار دارد، اما آن را هدف نهایی خود نمی‌داند. هدف نهایی روان‌شناسی اسلامی، هدف نهایی اسلام، یعنی پرورش انسان موحد و الهی، است. جهت‌گیری آموزه‌های اسلامی، پرورش انسان‌های موحد و خدامحور است. روان‌شناسی اسلامی به سطح دنیوی زندگی انسان محدود نمی‌شود و به حیات معنوی، الهی و اخروی وی نیز توجه می‌کند. شگفت‌آور اینکه آموزه‌هایی که اسلام برای بهبود زندگی دنیوی به کار می‌گیرد، غالباً همان اموری است که حیات معنوی و اخروی وی را نیز تأمین می‌کنند؛ اموری که فرد را از منیت، خودخواهی و مظاهر دنیوی آن جدا می‌سازد و خدایی می‌کند؛ از جمله توکل، صبر، شکر، زهد، دعا و مانند آن، که در تحقیقات جدید روان‌شناختی، فراوان به کار گرفته می‌شوند، و هرچند کاربرد آرامش‌بخشی، اضطراب‌زدایی، توانمندسازی و افزایش شادکامی و رضامندی را دارند، اما دقیقاً اموری هستند که از وی انسانی خدایی می‌سازند و حیات معنوی و اخروی وی را نیز تأمین می‌کنند.

\*\*\*

بر اساس آنچه گذشت، پژوهشکده اخلاق و روان‌شناسی اسلامی دارالحدیث، بر آن شد تا مجله پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی را منتشر کند. گروه روان‌شناسی اسلامی این پژوهشکده، برخوردار از پژوهشگران توانمندی است که در هر دو حوزه دانش دینی و روان‌شناسی تخصص و تحصیلات عالی دارند و پژوهش‌های مختلفی را تا کنون سامان داده‌اند. نیز این گروه تا کنون دو رشته روان‌شناسی مثبت‌گرا و روان‌شناسی اجتماعی را طراحی کرده و به تصویب وزارت علوم رسانده است. همچنین در دانشگاه قرآن و حدیث (شاخه آموزشی مؤسسه دارالحدیث)، رشته «روان‌شناسی اسلامی گرایش روان‌شناسی مثبت‌گرا» فعال است و هم‌اکنون دوره سوم آن در حال تحصیل می‌باشند.

این مجموعه، به اضافه توانمندی‌های دیگری که در زمینه مطالعات اسلامی - روان‌شناختی، در کشور وجود دارد، ظرفیت بالایی را برای این حرکت مقدس به وجود آورده است که لازم است ثمره پژوهش‌های آنان، به اطلاع متخصصان و اندیشمندان برسد.

این مجله پژوهش‌هایی با مشخصات زیر را، در اولویت انتشار قرار می‌دهد:

- پژوهش‌های نظری که روشمندان در متون دینی (قرآن و حدیث) صورت گرفته و یکی از ابعاد روان‌شناختی آموزه‌های دینی را تبیین می‌کند و به طور مشخص ایده‌هایی را برای حوزه مشخصی از روان‌شناسی معرفی می‌کند؛

- پژوهش‌های تجربی که با رعایت استانداردهای پژوهشی، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی شکل گرفته و به طور مشخص آموزه دینی خاصی را مبنای کار تجربی خود قرار داده است؛

- مباحث علمی مربوط به روش‌شناسی و روش تحقیق در روان‌شناسی اسلامی؛

- مباحث مربوط به مبانی انسان‌شناختی مرتبط و مؤثر در روان‌شناسی اسلامی؛

- مقالات انتقادی که با رویکردی دینی یکی از نظریه‌های موجود در روان‌شناسی را نقد می‌کند، یا به بررسی و نقد عالمانه پژوهش‌های اسلامی - روان‌شناختی می‌پردازد.

- از خداوند متعال خواستاریم ما را در راه ترویج علمی معارف دین خود موفق بدارد. مشتاقانه منتظر پژوهش‌ها، دیدگاه‌ها و نقدهای عالمانه استادان، پژوهشگران و دانش‌پژوهان این حوزه هستیم.